



به مناسبت ثبت آرامگاه حافظ در فهرست آثار ملی

**هنر «گدار» فرانسوی بر سر خواجه شیرازی**



مقبره حافظ در دوره قاجار. عکس از آرامگاه ولنتاین ویلیامز جکسن. این عکس احتمالاً در نخستین سفر او به ایران در سال ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۱ تا ۱۲۸۲ خورشیدی) گرفته شده است.

حسین بیات| خواجه شمس الدین محمد شیرازی (۷۲۷ – ۷۹۲ هجری قمری)، معروف به حافظ و لسان الغیب، شاعر ایرانی و یکی از بزرگ‌ترین غزل سrahای زبان فارسی است. تاریخ و اسناد می‌گویند که او پس از درگذشت در منطقه‌ای که مصلانامیده می‌شده و بعدها به باغ تبدیل شده، به خاک سپرده شده است. جایی که امروز به نام حافظیه شناخته می‌شود و در شمال شهر شیراز واقع شده است. به دلیل شهرت و بزرگی شخصیت حافظ در بین حاکمان و بزرگان قرون بعدی، آرامگاه او نیز همواره مورد توجه پادشاهان ایران و به ویژه حاکمان شیراز بوده است. بیشتر آنان برای آرامگاه وی احترام خاصی قائل بوده‌اند و سعی می‌کرده‌اند بنا یا یادبودی بر سر مزار او ایجاد کنند. به همین ترتیب نخستین بنایی که در تاریخ یاد شده، در سال ۸۵۶قمری به دستور میرزا ابوالقاسم گورکانی، از نوادگان شاهرخ پسر تیمور، بر مزار او ساخته شده است. همین بنا در زمان شاه عباس اول و نادرشاه افشار مرمت و بازسازی می‌شود. در زمان کریم‌خان نیز سنگ مرمری روی قبر نهاده و تالاری با چهار ستون یکپارچه سنگی در اطراف قبر ساخته می‌شود. در سال ۱۲۹۵ خورشیدی والی فارس، معتمدالدوله فرهادمیرزا، برای اطراف قبر حافظ حصاری چوبی می‌سازد که بعدها به دستور شجاع السلطنه به نوع آهنی تبدیل می‌گردد.

در نامه‌ای که رئیس بلدیة شیراز، یک دی ۱۳۱۱ به اداره معارف و اوقاف ایالتی فارس نوشته است، گزارشی از وضعیت آرامگاه می‌دهد و می‌نویسد: «در موضوع ثبت بارگاه حافظ، بلدیة شیراز تاکنون مبلغ ۸۹هزارو۵۵۵ ریال آنجا زمین خریده و بنایی نموده و بیش از این هم برای تکمیل ساختمان آن باید صرف کند و ماهیانه مبلغ دوازده تومان جهت روشنایی و نظنتیف و گل‌کاری و حقوق دربان و باغبان از بودجه بلدیة خرج آنجانماید و…» رئیس بلدیة می‌خواهد که ملکیت آنجا به بلدیة واگذار شود تا کار ساختمان سازی آن انجام شود.

در سطح ملی اما پیشنهاد تعمیر آرامگاه حافظ اواخر سال ۱۳۱۲ مطرح می‌شود و از طرف وزارت معارف نیز وعده اعتباری داده می‌شود. در همین راستا ایالت فارس در ۱۴ تیر ۱۳۱۳ پیشنهاد می‌دهد: «چون برای جشن فردوسی محل مزبور از هر حیث مناسب است. در نظر می‌باشد اعتبار را زودتر برسانند، فوراً تعمیر برای موقع جشن مهیاگردد.» اما این اعتبار نمی‌رسد. علت را می‌توان در نامه‌ای یافت که کفیل وزارت تعاون شهیرور ۱۳۱۳ به ریاست وزرا نوشته و توضیح داده است: «ایالت جلیله فارس راجع به اعتبار تعمیر آرامگاه حافظ وزارت معارف، نهایت جدیت را که برای تعمیر آرامگاه حافظ داشت، متأسفانه به علت آنکه برآورد ونقشه ساختمان بموقع نرسید و در موقی بود که بودجه مصوب در جریان تنظیم بود… متأسفانه در این سنه اقدامی به عمل نیامده، ولی در نظر است که برای صحنه آتی ۱۳۱۴ بودجه احسن جبران نماید.»

در نهایت سال ۱۳۱۵ علی‌اصغر حکمت، وزیر فرهنگ وقت، اندره گذار را مأمور طراحی و ساخت بنای جدید برای حافظیه می‌کند. گذار، باستان شناس فرانسوی که چندسالی در استخدام دولت ایران بوده و چندین طراحی برای موزه ایران باستان و کتابخانه ملی انجام داده، نقشه‌ای به سبک بناهای رنسان برای آرامگاه حافظ تهیه می‌کند.

ساختمان این بنای جدید پس از دو سال به پایان می‌رسد و تالار کریمخانی در آن با افزودن شانزده ستون به تالاری بزرگ‌تر تبدیل می‌شود که در دو محوطه جنوبی و شمالی از نقاشی، گچ بری، کاشی‌کاری و کتیبه‌هایی از اشعار حافظ پوشیده شده است. در طرح گذار قبر در صحن شمالی واقع شده و سنگ قبر نیز همان سنگ مرمر دوره کریم خانی است که یک متر از سطح زمین فاصله دارد. سقف مقبره نیز هشت ضلعی است و غزل «حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم/ خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم» بر آن حکاکی شده و پوشیده از کاشی‌های هفت رنگ معرق است. نمای خارجی آن نیز ترک درو با جنس مس همانند کلاه درویشان ساخته شده است.

محوطه صحن شمالی پوششی از درختان نارنج، سرو و کاج دارد و دو حوض در آن تعبیه شده است. کتابخانه آرامگاه نیز در این صحن واقع شده که امروزه به عنوان مرکز سدهی شناسی و حافظ شناسی فعالیت می‌کند. صحن جنوبی که مساحت آن کمتر از صحن شمالی و ورودی حافظیه است، به خیابان گلستان شیراز وصل می‌شود و دورتادور آن دیواری آجری دارد. در مرمت‌های پس از انقلاب اسلامی، ۴ هزار مترمربع دیگر به محوطه این بنا افزوده می‌شود.

علاوه بر وجود مقبره حافظ، باغ حافظیه محل دفن بزرگان، اندیشمندان وادیان بزرگی همچون اهلی شیرازی، فرصت شیرازی، شوریده شیرازی و لطفعلی صورتگر و… است؛ از این جهت بنای حافظیه در ۱۸ آذر ۱۳۵۴ با شماره ۱۰۰۹۱در فهرست آثار ملی ایران ثبت می‌شود.



بنای ساخته شده از سوی ملک منصور شجاع‌السلطنه

برگرفته از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

شیرازی

اشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۲۲ شماره: ۳۳۸

۱۵



تاریخ و هویت

بازخوانی پرونده مشهورترین باغ‌موزه مشهد در سالروز ثبت‌ملی شدن آن

# پاسخ به ۱۰ پرسش کلیدی درباره معماری آرامگاه نادری

چواد نوآفیان رودسری| نادرشاه پیش از آنکه به رأی ریش سفیدان حاضر در دشت مغان، به تاریخ ۲۴ شوال سال ۱۱۴۸ قمری (برابر ۱۸ اسفند ۱۱۱۴ خورشیدی) تاج بر سر بگذارد و به عنوان فرمانروای بلامنازع ایران شناخته شود، تسلطی کامل بر شهر مشهد داشت. بسیاری از کتیبه‌های تاریخی حرم رضوی که حکایت از ساخت‌وسازهای عهد نادری دارد، مربوط به زمان پیش از تاج‌گذاری وی است؛ نمونه‌هایی از چنین کتیبه‌هایی را می‌توان در ایوان امیرعلیشیر نوایی (موسوم به ایوان طلای نادری در صحن کهنه) مشاهده کرد که در آن نام نادرشاه با عنوان «نادرقلی» ثبت شده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نادر از همان ابتدا سودای ایجاد فروانروایی خود را با پایتختی شهر مشهد داشت و با چنین رویکردی، بدیهی است که در ساخت‌وساز و توسعه شهر می‌کوشید و بر زیبایی تجمل آن می‌افزود. ظاهراً در همین ایام بود که فکر ایجاد مقبره‌ای باشکوه به سرش افتاد، اما تا بعد از رسیدن به سلطنت، امکان اجرای آن را پیدا نکرد و پس از آن بود که مکانی در بالاخیابان مشهد را به عنوان آرامگاه خاندانی دودمان افشاری برگزیدند. امروز، ۱۸ آذرماه، سالروز ثبت ملی بنای آرامگاه نادرشاه افشار است و البته فرصتی برای نگاهی دوباره به این اثر نه چندان قدیمی که به دلایل گوناگون، در ردیف شاهکارهای هنر معماری ایران قرار می‌گیرد.

### ۱۰ ایرادی که به معماری آرامگاه وارد شد

با وجود آنکه بنای جدید از هر نظر مدرن و مناسب به نظر می‌رسید، جمعی از کارشناسان ایرادهایی بر آن وارد کردند. افزایش اعتراضات به این مسئله باعث شد که هوشنگ سیحون در ۱۲دی‌ماه سال ۱۳۲۸، گزارشی مطول در روزنامه خراسان به چاپ برساند و به ایرادهای مطرح‌شده پاسخ دهد. اهم ایرادها در ۱۰ بخش مطرح شده بود؛ ۱- چرا بنای مقبره کوتاه است؟ ۲- چرا در آن تزئینات کاشی‌کاری وجود ندارد؟ ۳- چرا سبک معماری اش ایرانی نیست؟ ۴- چرا آن را شبیه قصر خورشید در کلات نادری نساخته‌اند؟ ۵- چرا مقبره گنبد و گلدسته ندارد؟ ۶- چرا دو طرف مقبره باز و بی حفاظ است؟ ۷- چرا سنگ قبر به شکل چهارگوش ساخته شده‌است؟ ۸- چرا سنگ قبر را در وسط فضای مقبره قرار نداده‌اند؟ ۹- چرا سقف موزه ها و مقبره که بتونی است صیقلی نشده است؟ ۱۰- چرا دور محوطه را دیوار نکشیده‌اند؟



### پاسخ‌های معمار آرامگاه

هوشنگ سیحون در گزارش خود، پاسخ‌های مختصر و مفیدی به این ایرادها داده است. او در پاسخ به سؤال اول می‌نویسد که دلیل کوتاهی ساختمان مقبره، مجسمه‌های برنزی زیبایی است که قرار است یک سال دیگر از ایتالیا به ایران حمل و در بالای ساختمان نصب شود. بدیهی است که افزایش ارتفاع ساختمان باعث از دید افتادن مجسمه‌ها و نمای زیبای آن‌ها می‌شود.

خوب است بدانید که بنای آرامگاه و موزه کناری‌اش، در قالب شکل تبرزین طراحی شده است و شما می‌توانید از ضلع شرقی بنا به خوبی این طراحی را ملاحظه کنید. از سوی دیگر، معمار معتقد بود که نباید ارتفاع مقبره نادری، از ارتفاع ابنیه حرم رضوی که بنای شاخص و محوری شهر مشهد است، بیشتر باشد.

سیحون در پاسخ به ایراد دوم مبنی بر عدم استفاده از کاشی‌کاری، به این نکته بسیار مهم اشاره می‌کند که «در شهر مشهد در مقابل کاشی‌های ظریف و هنری آستان قدس رضوی و در برابر بنای گوهرنشان گوهرشاد هر قدر هم بنایی با کاشی تزئین گردد، با هزینه‌هایی که امروز در دنیا می‌شود چند نشان دادن ضعف وسایل اجرایی در عصر حاضر نتیجه‌ای نمی‌دهد.» معمار آرامگاه ترجیح داده است که به جای کاشی، از سنگ استفاده کند تا هم سباهی رنگ آن تداعی کننده سیاه چادر (جایی که نادر در آن به دنیا آمد و از دنیا رفت) باشد و هم بیشتر دوام بیاورد و به نگهداری و مرمیم کمتری نیاز پیدا کند.

درمورد سبک معماری ایرانی هم که در پرسش سوم مطرح شده است، پاسخ به نظر مستدل می‌رسد. طبق گزارش سیحون طراحی بنای آرامگاه نادرشاه با الگویی از مسجد «تاریخانه» دامغان انجام شده که از آثار مربوط به دوره پیش از اسلام در ایران است. او تأکید دارد که این طراحی، با شیوه‌ها و الگوهای جدید، به روز و اجرا شده است. در باب سؤال چهارم و اینکه چرا مقبره نادرشاه شبیه کاخ خورشید نیست، معمار به تاریخچه بنای کاخ خورشید و نقش معماران هندی در ساخت آن اشاره می‌کند و بر آن است که برای حفظ اصالت ایرانی بنای آرامگاه نادرشاه، باید شیوه‌ای متفاوت را برگزید و اصالت معماری ایرانی را حفظ کرد.

او در پاسخ به پرسش پنجم مبنی بر فقدان گنبد و گلدسته، احداث چنین بنایی را در کنار مجسمه‌های عظیم برنزی درست و منطقی نمی‌داند و آن را مخالف اصول اعتقادی و معماری ایرانیان ارزیابی می‌کند.

در پاسخ به سؤال ششم درباره باز بودن دو طرف بنای مقبره، هر چند که تلاش معمار در راستای تبدیل شمالیل مقبره به سیاه چادر بوده است، دلیلی خیال‌انگیز را هم برای آن مطرح می‌کند و می‌نویسد: «باد و برف و بوران را در این توده عظیم سنگین هیچ‌گونه اثر و زبانی نیست، بلکه روح سلحشور نادر که پیوسته با سختی‌ها و مصائب و بیابان‌گردی و کوهنوردی مأنوس بوده است، اکنون نیز از باد و طوفان و برف و باران که سراسر زندگی با آن مأنوس بوده است، ناراضی نخواهد بود.»

سیحون در پاسخ به پرسش هفتم، دلیل مربع بودن سنگ قبر را هم خوانی با ساختار بنا بیان کرده و در جواب هشتمین سؤال هم توضیح داده که هدف از در گوشه قرار دادن مقبره، ایجاد فضای باز در ساختمان و به‌وجود آوردن محدوده‌ای است که بتوان از آن برای برگزاری نشست‌ها و جلسات استفاده کرد.

او به تعبیه مکانی برای گذاشتن تربیون، پشت قبر نادرشاه اشاره می‌کند و تأکید دارد که با این روش، از فضای آرامگاه استفاده بهینه می‌شود.

معمار ایراد نهم راتا حدودی وارد می‌داند و معتقد است که می‌توان با چکشی کردن بتن سقف ساختمان تا حدودی این ایراد را مرتفع کرد و در نهایت، پاسخش به سؤال دهم هم از این قرار است: «محصور بودن محوطه با دیوار از روی عادت قدیم است؛ آن هم برای این قبیل بناهای عمومی که حتماً باید نرده کشیده شود [فایده‌ای ندارد]... اکنون باز نرده کوتاهی که [اطراف آرامگاه] کشیده شده است، ملاحظه می‌فرمایند که تمام وضع بنا و محوطه زیر نظر عابرین و تماشاکنندگان قرار گرفته است.»



### پیشینه ساخت آرامگاه نادری



درباره پیشینه ساخت بنای آرامگاه نادرشاه، به اختصار می‌توان گفت که سنگ بنای آن، در دوران اقتدار فرمانروای افشاری و در مکان فعلی گذاشته شد. طراحی نخستین محوطه، طبق آنچه در وقف‌نامه‌اش قید شده است، حکایت از الگوی «چهارباغ» دارد. بنای اولیه آرامگاه دارای دو گلدسته بود؛ حیاط مقبره باغی بوده که دو باغبان رسیدگی می‌نموده و دو گلدسته داشته، نیز پهلولی در باغ یک سقاخانه ساخته بودند. خود مقبره دارای دو راه بوده و دو ایوان و چهار اطاق متصل به آن داشته. در درون مقبره هم دو عدد پرده زربفت نفیس که پنج سال به پنج سال باید عوض می‌شده، موجود بوده است و از هر یک از درب آن پرده مخملی آویخته بوده، نیز شانزده قندیل داشته است (گزارش مکتب شاپور، ص ۱۴۵).

نقل‌هایی در این باره وجود دارد که معماران بنا مانند معماران کاخ خورشید در کلات، هندی تبارند؛ هرچند که صحت این گزارش‌ها چندان معلوم نیست. شوکت بنای اولیه چندان نپایید و بلافاصله بعد از مقتول شدن نادرشاه و آغاز کشمکش میان جانشینان وی که به قتل جمع زیادی از آن‌ها و نهایتاً به تخت نشستن عادلشاه انجامید، روند تخریب و نابودی بنا در سایه بی‌توجهی به آن آغاز شد و دوران نسبتاً طولانی حکومت شاهرخ میرزا، نوه نادرشاه نیز نتوانست مانع از این اضمحلال شود. بعدها و با استقرار قاجاریه بر ویرانی بنا افزوده شد، تاآنجا که در عهد ناصری، بخشی از محوطه را به «باغ‌تره» تبدیل کرده و گروهی در آن به کشت سبزیجات مشغول بودند. روایتی دیگر درباره انهدام بنای اولیه وجود دارد که طبق آن، آقامحمدخان بعد از ورود به مشهد و عبور از بالاخیابان و مشاهده گلدسته مقبره نادری، وانمود کرد آن را با حرم رضوی اشتباه گرفته است و بعد از فهمیدن این اشتباه، خشمگین شد و فرمان تخریب بنا را داد. این وضعیت تا بعد از پیروزی نهضت مشروطیت برقرار بود، به‌ویژه آنکه شایع شد بقایای جسد نادرشاه به دستور آقامحمدخان به تهران حمل و زیر یکی از پله‌های کاخ گلستان دفن شده است. در سال ۱۳۳۳ قمری (۱۲۹۴ خورشیدی)، مجلس شورای ملی اجازه بازسازی مقبره نادرشاه را صادر کرد و از محل موقوفه این بنا در مرزعه «دهشک» و البته کمک‌های دولتی و خصوصی، مقبره آبرومندی برای وی ساخته شد که ظاهراً قوام السلطنه در احداث آن نقش محوری داشت، بااین حال، بنای جدید هم خیلی زود گرفتار فرسایش و تخریب شد. تااینکه اواخر دهه ۱۳۲۰ خورشیدی، انجمن آثار و مفاخر ملی تصمیم به تجدید بنای مقبره نادرشاه گرفت و بعد از تهیه مقدمات که اندکی به طول انجامید، سرانجام احداث بنای جدید با طرحی از «هوشنگ سیحون» آغاز شد و نهایتاً در آذرماه سال ۱۳۲۸ خورشیدی به پایان رسید. یک سال بعد، در آبان‌ماه سال ۱۳۲۹ خورشیدی، مجسمه برنزی طراحی‌شده توسط استاد ابوالحسن خان صدیقی، از شاگردان کمال‌الملک، بر فراز آرامگاه قرار گرفت و به این ترتیب، باغ‌موزه نادری شکل و قوام امروزی خود را یافت.



نمایی از مقبره نادر در دوره قاجار

منبع عکس‌ها و توسعه تاریخ شهری شهرداری مشهد